

تاریخ پوشیده آیه چهل — شماره شش

یازده

Jeff Pippenger

2026-04-02

در حالی که به مطالعه تاریخ پنهان می‌پردازیم، هر دو خط درونی و بیرونی نبوت را بررسی خواهیم کرد که اکنون چنین فهمیده می‌شوند که با تاریخ از زمان آخر در آیه چهل تا قانون یکشنبه در آیه چهل و یک هم‌راستا هستند. خط درونی آن تاریخ نبوی با کتاب مکاشفه، در باب یازدهم و آیه یازدهم، مشخص می‌شود. خط بیرونی با کتاب دانیال، در باب یازدهم، آیه یازدهم، مشخص می‌گردد. خط بیرونی دانیال ۱۱ — آیه ۱۱ — در سال ۲۰۱۴ در تاریخ فرا رسید، و خط درونی مکاشفه ۱۱ — آیه ۱۱ — در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ در تاریخ فرا رسید. خط بیرونی نمایانگر شاخ جمهوری خواه وحش زمین است و خط درونی نمایانگر شاخ پروتستان وحش زمین است.

ایالات متحده آمریکا

مکاشفه یوحنا یک ملت اصلی را به عنوان موضوع ایام آخر معرفی می‌کند. آن ملت همان وحش زمینی است که تمام جهان را وادار می‌سازد تا وحش دریایی پای را پرستش کنند. کتاب مکاشفه یک ملت اصلی، یک اتحادیه ده‌ملتی، و یک کلیسای جعلی را معرفی می‌کند. آن ملت، ایالات متحده است؛ همان وحش زمینی باب سیزدهم. کلیسای جعلی، وحش دریایی باب سیزدهم است؛ و اتحادیه کتاب مقدسی شریر ده‌پادشاه، سازمان ملل متحد است. این سه قدرت، که در مکاشفه شانزدهم به صورت اژدها، وحش، و نبی کاذب نمایش داده شده‌اند، جهان را به سوی آرماگدون رهبری می‌کنند. آن‌ها هر یک در دانیال یازده، آیات چهل تا چهل و پنج، شناسانده شده‌اند؛ جایی که کلیسای جعلی در آیه چهل و پنج، میان دریاها و کوه مقدس جلیل، به پایان خود می‌رسد؛ که از نظر جغرافیایی با آرماگدون مکاشفه مطابقت دارد. آیه چهل در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود، هنگامی که وحش دریا، یعنی کلیسای جعلی، زخمی مهلک دریافت کرد؛ و این بخش با همان وحش دریای قیام‌کرده به پایان می‌رسد، که همان فاحشه مکاشفه هفده است و برای بار دوم می‌میرد؛ و بدین سان این بخش دقیقاً در همان جایی پایان می‌یابد که آغاز شده بود. ملت اصلی در هر دو کتاب مکاشفه و دانیال، ایالات متحده است؛ همان وحش زمین در فصل سیزدهم مکاشفه، یعنی فصل عصیان. وحش زمین همچنین همان نبی کاذب در فصل شانزدهم مکاشفه است، و در آیه چهل دانیال یازده، همان ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران است.

نیم حقیقت‌ها اصلاً حقیقت نیستند

قومی که در ایام آخر موضوع هر دو کتاب دانیال و مکاشفه است، ایالات متحده است، و فصل یازدهم دانیال با تعیین مشخص آخرین رئیس‌جمهور آن قوم آغاز می‌شود. این حقیقت، واقعیتی تثبیت‌شده در کتاب مقدس است که ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکیه‌ای با پنهان شدن پشت یک نیمه حقیقت آن را رد می‌کنند. آن نیمه حقیقتی که در این موضوع پشت آن پنهان می‌شوند، این است که موافقان که این ایالات متحده است که هم وحش زمین در مکاشفه سیزده است و هم نبی کاذب فصل شانزدهم؛ با این همه، از دیدن این حقیقت سر باز می‌زنند که دونالد ترامپ یکی از موضوعات اصلی نبوت کتاب مقدسی در ایام آخر است. خدا هرگز تغییر نمی‌کند، و هنگامی که با مصر تعامل داشت، فرعون یکی از موضوعات اصلی تاریخ نبوی بود؛ سپس در باب بابل، نبوکدنصر و بلشصر نام

برده شده‌اند. کوروش نام برده شد. داریوش نام برده شد. کتاب مقدس به طور مشخص آخرین فرمانروای وحش زمین را شناسایی می‌کند، و این اشاره‌ای گذرا نیست. ادونتیسیم می‌داند که ایالات متحده در نبوت زمان آخر کیست، اما نمی‌تواند ببیند که خدا در هر سناریوی نبوی، هم قوم و هم رهبر آن را مورد خطاب قرار می‌دهد، و تمامی آن تاریخ‌های مقدس پیشین، ایام آخر را به تصویر می‌کشند.

شیپور در رؤیای نهایی

دونالد ترامپ نخستین موضوع در رؤیای نهایی دانیال است؛ رؤیایی که اوج همه رؤیاهای نبوی است، نه فقط در کتاب دانیال، بلکه در تمام کتاب مقدس.

موضوع آخرین رؤیای تاریخ نبوی در کلام خدا، دونالد ترامپ است. او نمادی است که رد پاهای نبوت ظاهری ایام آخر را در تاریخ پنهان آیه چهل شناسایی می‌کند. او همچنین پیوندی است که خط درونی صد و چهل و چهار هزار را معین و استوار می‌سازد. آن صد و چهل و چهار هزار، شاخ پروتستان بر جانور زمین مکاشفه سیزده هستند، و دونالد ترامپ نماینده شاخ جمهوری خواه همان جانور است. آن جانور، قانون اساسی ایالات متحده است، چنان که در حکومت جمهوری مبتنی بر قانون اساسی نمود یافته است؛ حکومتی که در آغاز میان آن دو شاخ جدایی برقرار ساخت، اما سرانجام آن شاخ‌ها را در تصویری از جانور دریایی پایی به هم متحد می‌سازد.

خواهر وایت بارها تصویر طلایی فصل سوم دانیال را با قانون یکشنبه ایام آخر منطبق می‌سازد؛ پس نبوکدنصر نماینده کیست؟ ادونتیسیم به شما خواهد گفت که او ایالات متحده است، همان وحش زمین فصل سیزدهم مکاشفه، که این معادل آن است که بگوییم این بایل بود که شدرک، میشک و عابدنغو را به درون آتش افکند. این نبوکدنصر بود که کتاب مقدس او را کسی معرفی می‌کند که در قانون یکشنبه مسئول بود؛ پس نبوکدنصر کیست، اگر او رئیس جمهوری نیست که در هنگام فرارسیدن قانون یکشنبه نزدیک آینده حکومت می‌کند؟

سه

پیشگویی آخر دانیال، که همان رؤیای رود جِذَل است، به سه فصل تقسیم می‌شود که هر یک با ویژگی‌های سه فرشته مکاشفه چهارده منطبق است. این سه فصل نمایانگر فرشته اول، دوم و سوم هستند، اما همچنین آخرین پیام دانیال را نیز نمایندگی می‌کنند. نخستین پیام او در فصل اول نیز سه فرشته مکاشفه چهارده را نمایندگی می‌کند، و بدین سان مهر آلفا و امگا بر فصل اول و بر رؤیای رود جِذَل نهاده می‌شود.

دانیال کی آخری رویا عبرانی لفظ "سچائی" کے قالب پر قائم ہے، جو عبرانی حروف تہجی کے پہلے، تیرہویں، اور آخری یعنی بائیسویں حرف سے مرکب ہے۔ دسویں باب دانیال کو نبوت کا ایک طالب علم متعین کرتا ہے، جو بائیسویں دن لاودیکہ کی حالت سے بدل کر فلڈلفیہ کی حالت میں آ جاتا ہے۔ پھر دانیال کو اس قابل بنایا جاتا ہے کہ وہ بارہویں باب میں ممثل غیرمہر شدہ اضافہ علم کو سمجھے۔ اس رویا کے پہلے اور آخری ابواب دانیال کو ایک لاکھ چوالیس ہزار کا علامتی نشان متعین کرتے ہیں، جو نبوت کے حقیقی طالب علم ہیں۔

«انسان ہر قدر ہم از نظر فکری پیشرفت کرده باشد، نباید حتی برای لحظہ‌ای تصور کند کہ دیگر نیازی بہ جست‌وجوی عمیق و پیوستہ در کتب مقدس برای نور بیشتر ندارد۔ ما بہ عنوان یک قوم، فراخواندہ شدہ ایم کہ ہر یک بہ طور فردی دانشجوی نبوت باشیم.» شہادت‌ها، جلد ۵، ص. ۷۰۸.

فصل اول همان حقایق رؤیای رود حذّاق را شناسایی می‌کند، و فصل اول رؤیای رود حذّاق نیز همان حقیقتی را شناسایی می‌کند کہ فصل سوم و آخر آن بیان می‌دارد. کتاب دانیال مهر الفا و امگا

را بر خود دارد، زیرا فصل اول، فرایند آزمون سه مرحله‌ای انجیل جاودان را شناسایی می‌کند و فصل دوازدهم نیز چنین می‌کند. سپس در میان سه فصلی که رؤیای نهایی دانیال را تشکیل می‌دهند، فصل اول الفا است و فصل سوم امگا. این با نخستین آزمون دانیال درباره اینکه چه خوراکی بخورد، و با سومین و آخرین آزمون او هنگامی که پس از سه سال به وسیله نبوکدنصر دآوری شد، هماهنگ است. آزمون الفای فصل اول دانیال درباره روش‌شناسی مطالعه کتاب مقدس بود، چنان‌که این امر با خوردن خوراک بایلی یا خوراک گیاهی به تصویر کشیده شده است.

ਕਿ ਬਣਾਇਆ ਸੰਭਵ ਇਹ ਨੇ ਵਸਿਵਾਸਯੋਗਤਾ ਦੀ ਦਾਨੀਏਲ ਪ੍ਰਤੀ ਵਧੀ ਵਾਲੀ "ਪੰਕਤੀ ਉੱਤੇ ਪੰਕਤੀ" ਦੀ ਵਿਆਖਿਆ ਰਿਆਸਤ ਸਾਰੀ ਆਪਣੀ, ਪੁੱਛਿਆ ਤੋ ਉਹਨਾਂ ਨੇ ਰਾਜੇ ਬਾਰੇ ਜਨ੍ਹਾਂ, ਵੱਚਿ ਗੱਲਾਂ ਸਭ ਦੀਆਂ ਸਮਝ ਅਤੇ ਗਿਆਨ "ਉਹ ਜਦੋਂ, ਵੱਚਿ ਬਾਰ੍ਹਾਂ ਅਧਿਆਇ ਓਮੇਗਾ"। ਗਏ ਪਾਏ ਚੰਗੇ ਗੁਣਾ ਦਸ ਨਾਲੋਂ ਜੋਤਸ਼ੀਆਂ ਅਤੇ ਜਾਦੂਗਰਾਂ ਸਭ ਦੇ ਹਨ ਸਮਝਦੇ ਨੂੰ ਗੱਲਾਂ ਸਭ ਦੀਆਂ ਗਿਆਨ ਜੋ ਹਨ ਬੁੱਧੀਮਾਨ ਉਹ ਤਦੋਂ, ਹੈ ਜਾਂਦਾ ਅਣਮੁਹਰਿਆ ਬਚਨ ਦਾ ਭਵਿੱਖਬਾਣੀ ਦਰਸਨ ਹੱਦਿਕੋਲ ਇਹ ਅਤੇ, ਹੈ ਓਮੇਗਾ ਦਾ ਇੱਕ ਅਧਿਆਇ, ਬਾਰ੍ਹਾਂ ਅਧਿਆਇ। ਹੈ ਵੱਧਦੀ ਗਣਿਤੀ ਦੀ ਜਨ੍ਹਾਂ ਅਤੇ ਅਨੁਭਵ ਆਤਮਕਿ ਉਸ ਦਾਨੀਏਲ, ਵੱਚਿ ਦਸ ਅਧਿਆਇ ਅਲਫਾ ਉਸ। ਹੈ ਓਮੇਗਾ ਵੀ ਦਾ ਦਸ ਅਧਿਆਇ ਅਲਫਾ ਦੇ ਦੇ ਜਾਣ ਹੋ ਅਡੋਲ ਵੱਚਿ ਅਨੁਭਵ ਬੌਧਕਿ ਦੇ ਬੁੱਧੀਮਾਨਾਂ ਵੱਚਿ ਬਾਰ੍ਹਾਂ ਅਧਿਆਇ ਜੋ, ਹੈ ਜਾਂਦਾ ਹੋ ਅਡੋਲ ਵੱਚਿ ਦੇ ਭਵਿੱਖਬਾਣੀ ਵਧੀ ਇਹੀ ਦੀ ਅਧਿਐਨ ਬਾਈਬਲ ਕਿ ਹੈ ਕਰਦਾ ਰੇਖਾਂਕਤਿ ਇਹ ਇੱਕ ਅਧਿਆਇ। ਹੈ ਸਮਾਨਾਨਤਰ ਉਹ ਜੋ ਤਾਂ, ਹੈ ਬਣਾਉਦੀ ਯੋਗ ਦੇ ਹੋਣ ਅਡੋਲ ਤੋਰਾਂ ਦੇਹਾਂ ਬੌਧਕਿ ਅਤੇ ਆਤਮਕਿ ਵੱਚਿ ਸੱਚਾਈ ਨੂੰ ਵਦਿਆਰਥੀ। ਸਕੇ ਜਾ ਕੀਤਾ ਮੁਹਰਬੰਦ

با نمایندگی از شاگردان حقیقی نبوت در ایام آخر، دانیال و آن سه بزرگ‌مرد همان حکیمان‌اند که نه تنها افزایش معرفتی را که در زمان آخر، در سال 1989، مهرگشایی شد درمی‌یابند، بلکه افزایش معرفت را در 9/11 نیز می‌فهمند. در نهایت، آنان افزایش معرفت مهرگشایی‌شده را در 31 دسامبر 2023 درک می‌کنند.

در جست‌وجوی نور نبوی خدا، آنان از جنبش لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم یکصد و چهل و چهار هزار، به جنبش فیلادلفیایی یکصد و چهل و چهار هزار دگرگون می‌شوند. هنگامی که این دگرگونی روی می‌دهد، آنان از کسانی که از رؤیای آینه گریختند، جدا می‌گردند.

پیام شورش انسانی

باب‌های دهم و دوازدهم به یک‌صد و چهل‌وچهار هزار نفر می‌پردازند، زیرا آنان گام‌های نخست و سوم در چارچوب حقیقت هستند. هنگامی که به وسیله تجربه درونی رؤیای آینه باب دهم نیرو می‌یابند، و نیز با فهم گشوده‌شده دانیال دوازده روشن می‌گردند، باید پیام عصیان انسان را اعلام کنند. پیام عصیان انسان به وسیله کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمایانده می‌شود، و پیام عصیان در چارچوب نبوی پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس که در دانیال بیان شده است، قرار داده شده است. نمادگرایی نبوی شهادت عصیان انسان در کتاب دانیال به‌طور کامل در باب یازدهم بازنمایی شده است. باب یازدهم تاریخی است که از پایان بابل و آغاز مادها و پارسیان شروع می‌شود. بنابراین، آغاز آن با زخم مهلک بابل است، که نمونه زخم مهلک پاپی در سال ۱۷۹۸ می‌باشد. هنگامی که زخم مهلک پاپی در قانون یکشنبه نزدیک در پیش رو شفا یابد، او سر اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب می‌شود. آنگاه او همان زنی است که در مکاشفه هفده بر وحش سوار است، و بر پیشانی آن زن نوشته شده است: بابل عظیم. در قانون یکشنبه نزدیک در پیش رو، زخم مهلک هم بابل و هم پاپی شفا می‌یابد.

بغاوت انسانی جو بابل کے زمانہ سے لے کر دنیا کے خاتمہ تک نمایاں کی گئی ہے، کتاب دانی ایل کا بنیادی خاکہ ہے، اور باب گیارہ وہ خارجی نبوی پیغام ہے جو آخری ایام کی اس بغاوت کا بیان درج کرتا ہے۔ بغاوت کی وہ شہادت جو باب گیارہ میں پائی جاتی ہے، باب کی آخری چھ آیات کے ساتھ اور انہی کے اندر مطابقت رکھتی ہے۔ آخری چھ آیات انسانی بغاوت کا پیغام ہیں، اور وہی آخری چھ آیات آیت

چالیس کی مخفی تاریخ کے ساتھ اور اسی کے اندر ممثل کی گئی ہیں۔ اس طرح کتابِ دانی ایل ایک باب تک محدود ہو جاتی ہے، پھر وہی باب اپنی ہی چھ آیات تک سمٹ آتا ہے، اور پھر وہ بھی ایک آیت کے آخری نصف کی مخفی تاریخ تک محدود ہو جاتا ہے۔

باب یازدہم نمایانگر حرف سیزدہمی است کہ پیش از آن نخستین و پس از آن آخرین حروف الفبای عبری قرار دارد، و نخستین و آخرین همواره یکسان اند۔ باب نخست، حکیمان را در رؤیای آینه از جاہلان جدا شدہ معرفی می کند، و باب آخر، حکیمان را در هنگام گشودہ شدن مهر از جاہلان جدا شدہ نشان می دہد۔ الہام بہ ما آگاہ می سازد کہ مهر شدن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر، «استقرار یافتن در حقیقت، ہم از لحاظ فکری و ہم روحانی» است۔ باب دہم، مهر شدن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر را از لحاظ روحانی معرفی می کند و باب دوازدهم جنبہ فکری آن را نشان می دہد۔ باب دہم سہ لمس و سہ تعامل با موجودات آسمانی را معرفی می کند۔ باب دوازدهم تطہیر سہ مرحلہای حکیمان را معرفی می کند کہ بہ وسیلہ افزایش حقیقت نبوی فکری بہ انجام می رسد، بہ صورت «مطہر شدہ، سفید گردیدہ و آزمودہ شدہ»۔ همان گونه کہ باب دہم دارای دو نماد سہ گانہ است، با آن سہ لمس و سہ مواجہہ آسمانی؛ باب دوازدهم نیز ہم فرایند آزمون سہ مرحلہای را دارد و ہم سہ نبوت زمانی را۔

باب دہم کی سہ آسمانی ملاقات ہا نشان حق را بر خود دارد، زیرا نخستین و آخرین موجود آسمانی کہ با دانیال تعامل کرد، فرشتہ جبرائیل بود، و موجود میانی میکائیل بود۔ سہ فرشتہ، اما مسیح در گام دوم آن فرشتہ بود۔ آن سہ لمس، نمایانگر توانمندسازی تدریجی دانیال در سہ مرحلہ است۔ در این بخش، دانیال رؤیای آینہ وار را سہ بار شناسایی می کند، و بدین سان سہ رؤیای آینہ وار را در میان ہفت اشارہ بہ رؤیای mareh در باب دہم جای می دہد۔ واژہ عبری mareh دو بار بہ «appearance» و دو بار بہ «vision» ترجمہ شدہ است، و سہ بار دیگر نیز بہ «vision» ترجمہ شدہ است۔ آن «سہ بار دیگر» mareh نیست، بلکہ صورت مؤنث mareh است کہ marah می باشد۔ باب دہم سہ لمس توانمندسازی تدریجی، سہ ملاقات آسمانی کہ نشان حق را بر خود دارند، و سہ رؤیای آینہ وار دارد کہ بخشی از ہفت اشارہ بہ ظہور مسیح ہستند۔

ظہور

دو باری کہ واژہ «mareh» بہ «appearance» ترجمہ شدہ است، با همان دو باری منطبق است کہ بہ «vision» ترجمہ شدہ است۔ این دو با ہم مسیح را بہ عنوان نمادی معرفی می کنند کہ همچون نشانہای راہنما در تاریخ نبوی ظاہر می شود۔ در مکاشفہ فصل دہ، فرشتہای فرود می آید و یک پا را بر خشکی و پای دیگر را بر دریا می گذارد۔ خواہر وایت بہ ما اطلاع می دہد کہ آن فرشتہ «کسی کمتر از خود عیسی مسیح نبود»۔ فرشتہ مکاشفہ دہ «ظہور» مسیح در تاریخ نبوی است۔ او در آیہ سیزدہم از دانیال فصل ہشت بہ عنوان پلمونی ظاہر می شود، و از مکاشفہ فصل پنج بہ بعد بہ عنوان شیر سبط یہودا ظاہر می گردد۔ دانیال نمایندہ کسانی از ایام آخر است کہ ظہورہای نبوی مسیح را، ہر جا کہ او برود، پیروی می کنند۔ اگر ایشان در این کار وفادار باشند، بہ رؤیای آینہ ہدایت می شوند، جایی کہ بی وفایان می گریزند۔

آل باب دوازدهم بر پایہ فہم دانشی کہ هنگام گشودہ شدن یک نبوت افزایش می یابد، با سہ گام تطہیر ہمراہ است، و این امر با سہ «نبوت زمانی» مقارن است کہ برای ہر یک از آن سہ آیہ، سہ تحقق متمایز را نمایندگی می کنند۔ ہزار و دویست و شصت سال آیہ ہفتم، ہزار و دویست و نود سال آیہ یازدہم، و ہزار و سیصد و سی و پنج سال آیہ دوازدهم، سہ آیہ را مشخص می سازند کہ ہر یک مشتمل بر یک نبوت زمانی است کہ در تاریخ تحقق یافت و سپس از سوی میلری ہا بہ عنوان تأیید تاریخی پیامی کہ اعلام می کردند شناختہ شد۔ پیشگویی مندرج در آیہ، تحقق تاریخی، و کاربرد میلری آن تاریخ، ہمگی بر تحقق ایام آخر آن سہ نبوت شہادت می دہند۔ اما کاربرد زمانی میلری ہا دیگر

معتبر نیست؛ از این رو، اشارات زمانی موجود در آیات باید نه به عنوان زمان، بلکه به صورت نمادها به کار بسته شوند. این نمادگرایی در آیات از طریق تطبیق خود آیه، تحقق تاریخی آیه، و عرضه میلیری پیام، تثبیت می‌گردد.

تسلسل الفصل الحادي عشر الزمني لتمرّد البشر منسوجٌ معاً بالأحلاف والمعاهدات والعهود. والعهود البشرية المُمثّلة في تاريخ الفصل الحادي عشر تُوضَع في مقابلةٍ مع العهد الإلهي.

«در ایام آخر تاریخ این زمین، عهد خدا با قوم نگاه‌دارنده احکام او باید تجدید شود.» ریویو اند هرالذ، ۲۶ فوریه ۱۹۱۴.

روما تُرسي الرؤيا بأكملها، وحين تُخاطب روما البابوية أول مرة في الأصحاح الحادي عشر، تُعرّف بأنها «الذين يتركون العهد المقدس». إن الخط الداخلي في دانيال الحادي عشر، وهو أيضاً الخط الداخلي في التاريخ الخفي للآية الأربعين، يمثّل الذين يدخلون في عهد مع الله في الأيام الأخيرة، بينما يحدّد الخط الخارجي الذين يتركون ذلك العهد بعينه. وفي تصوير الفئة التي لن تنتفع بزيادة المعرفة في الأيام الأخيرة، يُنسج تاريخهم الخارجي على الخيط النبوي للمعاهدات البشرية المنكوثة.

در خطّ درونی صد و چهل و چهار هزار، نمادها و تمثیل‌های متعددی از رابطه عهدهی خدا با قوم باقی‌مانده ایام آخر او تنیده شده است. نماد عدد «یازده» یکی از آن حقایق است، و این واقعیت که آیه یازدهم باب یازدهم رؤیت بیرونی و درونی ایام آخر را مشخص می‌سازد، با این امر مورد تأکید قرار می‌گیرد که اشعیا در باب یازدهم و آیه یازدهم، هدف و کار قوم عهدهی خدا را در ایام آخر شناسایی می‌کند.

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای دومین بار، دست خود را دراز خواهد کرد تا باقیمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند، از آشور، و از مصر، و از قتروس، و از کوش، و از عیلام، و از شینعار، و از حمت، و از جزایر دریا بازآورد. اشعیا ۱۱:۱۱.

پراکندگی

در ایام آخر، قوم باقیمانده خدا دو بار پراکنده شده خواهند بود و نیاز خواهند داشت که گرد آورده شوند. آیه هفتم از دانیال دوازده، پراکندگی‌ای از قوم خدا را در ایام آخر مشخص می‌سازد؛ از این رو، هزار و دویست و شصت روز را به عنوان نمادی از پراکندگی باز می‌نمایاند.

وآن مرد ملبّس به کتان را که بر فراز آب‌های نهر بود شنیدم، هنگامی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشت و به آن که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد که این امور برای زمانی و زمان‌ها و نصف زمانی خواهد بود؛ و چون پراکندن قدرت قوم مقدس به کمال رسد، همه این چیزها به انجام خواهد رسید. دانیال ۱۲:۷.

دو شاهد پس از آنکه شهادت خود را ادا کردند، در فصل یازدهم مکاشفه پراکنده شدند.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان غالب خواهد آمد و ایشان را خواهد کشت. و جسد‌های ایشان در کوی آن شهر عظیم خواهد افتاد؛ شهری که از لحاظ روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب گردید. و کسانی از قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و امت‌ها، سه روز و نیم جسد‌های ایشان را خواهند دید و نخواهند گذاشت که جسد‌های ایشان در قبرها نهاده شود. و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواهند کرد و به وجد خواهند آمد و به یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب می‌دادند. مکاشفه ۱۱:۷-۱۰

در آیه بعدی، یعنی آیه یازدهم، آن دو شاهد از مرگ خود در کوچهٔ سدوم و مصر برخیزانیده می‌شوند. همین مرگ را حزقیال به صورت دره‌ای از استخوان‌های پراکنده، مرده و خشک به تصویر می‌کشد. آن دو شاهد نمایانگر دو شاخ جمهوری خواه و پروتستان هستند که در سال ۲۰۲۰ کشته شدند. شاخ پروتستان یا پیشگویی دروغین خود دربارهٔ ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ مرد، و شاخ جمهوری خواه در انتخابات ربوده شدهٔ ۲۰۲۰ مرد. اشعیا تصریح می‌کند که هنگامی که آن شاهدان برخیزانیده می‌شوند، که او آن را به عنوان گردآوری بار دوم معرفی می‌کند، آن شاهدان به آن علمی بدل می‌شوند که کارگران ساعت یازدهم را گرد می‌آورد.

اور اُس دن یسّی کی ایک جڑ ہوگی، جو قوموں کے لیے ایک عَلم کے طور پر قائم ہوگی؛ اُمّیں اُسی کی طالب ہوں گی، اور اُس کی آرام گاہ جلالی ہوگی۔ اور اُس دن ایسا ہوگا کہ خداوند دوسری بار پھر اپنا ہاتھ بڑھائے گا تاکہ اپنی اُس باقی ماندہ قوم کو، جو بچ رہے گی، اسور سے اور مصر سے اور پترس سے اور کوش سے اور عیلام سے اور شنعار سے اور حمات سے اور سمندر کے جزیروں سے واپس حاصل کرے۔ اور وہ قوموں کے لیے ایک عَلم بلند کرے گا، اور اسرائیل کے جلاوطنوں کو جمع کرے گا، اور یہوداہ کے پراگندہ لوگوں کو زمین کی چاروں سمتوں سے اکٹھا کرے گا۔ یسعیاہ 11:10-12۔

ہنگامی کہ خداوند دست خود را بار دوم برای گردآوردن دراز می‌کند، «رانندگان اسرائیل» را جمع می‌نماید. «رانندگان اسرائیل» به علمی برای امت‌ها بدل می‌شوند، و از این رو باید پیش از آنکه گرد آورده شوند، رانده شوند. آنان به وادی استخوان‌های خشک حزقیال افکنده شدند، و چون یک بار کشته شدند، در همان کوچه‌ای افتاده بودند که در آن نیز خداوند ما مصلوب شد، در حالی که طبقه دیگر شادی می‌کرد.

اے وہ لوگو جو اُس کے کلام سے لرزتے ہو، خداوند کا کلام سنو؛ تمہارے وہ بھائی جنہوں نے تم سے عداوت رکھی، جنہوں نے میرے نام کی خاطر تمہیں نکال دیا، کہتے تھے، "خداوند جلال پائے"؛ لیکن وہ تمہاری خوشی کے لیے ظاہر ہوگا، اور وہ شرمندہ ہوں گے۔ یسعیاہ 66:5۔

کسانی کہ از کلام خدا می‌لرزند، به دست برادران خود که از ایشان نفرت داشتند، رانده می‌شوند. ارمیا آنچه را بر برادرانی که از نشان نفرت داشتند واقع می‌شود، آشکار می‌سازد.

از این رو خداوند چنین می‌فرماید: هان، بلایی بر ایشان خواهم آورد که از آن نتوانند گریخت؛ و هر چند نزد من فریاد برآورند، ایشان را اجابت نخواهم کرد. ارمیا 11:11.

سیاق آیت یازدهم خدا کے عہد کا ہے، اور تمام انبیا آخری ایام ہی سے خطاب کرتے ہیں، لہذا یہاں جس عہد کا ذکر ہو رہا ہے وہ ایک لاکھ چوالیس ہزار کے ساتھ عہد کی تجدید ہے۔

سخنی کہ از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، چنین بود: «سخنان این عہد را بشنوید و آنها را به مردان یہودا و به ساکنان اورشلیم بگویید؛ و به ایشان بگو: خداوند، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: ملعون باد آن انسانی کہ سخنان این عہد را اطاعت نکند؛ همان عہدی کہ در روزی کہ پدران شما را از سرزمین مصر، از کورہ آہنین، بیرون آوردم، به ایشان امر فرمودم و گفتم: آواز مرا بشنوید و آنها را بر حسب تمامی آنچه به شما امر می‌کنم، به جا آورید؛ و شما قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود؛ تا سوگندی را کہ برای پدران شما یاد کرده‌ام، استوار سازم، کہ سرزمینی جاری از شیر و عسل به ایشان بدهم، چنان کہ امروز هست.» آنگاه من پاسخ دادم، گفتم: «آمین، ای خداوند.»

آنگاه خداوند به من فرمود: همهٔ این سخنان را در شہرهای یہودا و در کوچه‌های اورشلیم ندا کن و بگو: سخنان این عہد را بشنوید و به آنها عمل کنید. زیرا از روزی کہ پدران شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا امروز، با اصرار بسیار ایشان را ہشدار دادم، بامدادان برخاسته، بارہا ہشدار دادم و گفتم: آواز مرا اطاعت کنید. اما ایشان اطاعت نکردند و گوش خود را فرا نداشتند، بلکہ ہر یک

در سرسختی دل شیر خویشت گام برداشتند؛ از این رو تمامی سخنان این عهد را که به ایشان فرمان داده بودم تا به جا آورند، بر آنان جاری خواهم ساخت، زیرا آنها بدان عمل نکردند.

اور خداوند به من گفت: «توطئه‌ای در میان مردان یهودا و در میان ساکنان اورشلیم یافت شده است. آنان به گناهان نیاکان خویش، که از شنیدن سخنان من سر باز زدند، بازگشته‌اند؛ و در پی خدایان دیگر رفته‌اند تا آنها را خدمت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد مرا که با پدران ایشان بستم، شکسته‌اند. بنابراین خداوند چنین می‌فرماید: اینک بلایی بر ایشان خواهم آورد که از آن نتوانند رهایی یابند؛ و هرچند نزد من فریاد برآورند، به ایشان گوش نخواهم داد.» ارمیا ۱۱:۱-۱۱

موضوع عدالت لاؤدیکپائی سیونته-ڈے ایڈونٹزم، جس کی نشان دہی یرمیاہ کرتا ہے، حزقی ایل باب گیارہ، آیت گیارہ میں دہرایا گیا ہے۔

این شهر دیگ شما نخواهد بود، و شما نیز گوشت در میان آن نخواهید بود؛ بلکه من شما را بر حدود اسرائیل داوری خواهم کرد. حزقیال ۱۱:۱۱

الهام، مہر حزقیال باب نہم را بہ صراحت همان مہر صد و چہل و چہار ہزار نفر در مکاشفہ ہفت معرفی می‌کند. آیہ یازدہم باب یازدہم صرفاً ادامہ روایت پیوستہ حزقیال از داوری بر کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم است؛ کلیسایی کہ خواہر وایت آن را اورشلیم حزقیال باب نہم معرفی می‌کند. آنان کہ مہر را دریافت نکردند، در رؤیای باب‌ہای نہم تا یازدہم داوری شدہ و ہلاک می‌گردند.

رؤیای ۹/۱۱ در حزقیال، بی‌ایمانان را چنین معرفی می‌کند کہ برای داوری بہ بیرون از اورشلیم بردہ می‌شوند؛ و بدین‌سان، جدایی نہایی کسانی را مشخص می‌سازد کہ اقرار می‌کنند کلیسای نہایی بہ تصویرکشیدہ شدہ در کتاب مکاشفہ ہستند. نماد «یازدہ، یازدہ» نمادِ عہدی است کہ صد و چہل و چہار ہزار تن با خدا وارد آن می‌شوند. ہنگامی کہ این اعداد با یکدیگر جمع شوند، عدد بیست و دو را نشان می‌دہند، کہ یک دہم دویست و بیست است؛ یکی از نمادہای پیوند الوہیت با انسانیت.

دو صد و بیست سال میان ۶۷۷ و ۴۵۷ ق.م، نبوت دانیال دربارہ دو ہزار و سیصد روز را با نبوت زمانی موسی دربارہ ہفت زمان بہ ہم پیوند می‌دہد. در باب این دو صد و بیست سال، بہ مثابہ نمادی از کار کفارہ کہ آنگاہ کہ آن دو نبوت در سال ۱۸۴۴ با ہم تلاقی یافتند آغاز شد، مطالب بسیاری را می‌توان بازشناخت. ہمچنین دربارہ آنچه بہ طور نمادین بہ وسیلہ عدد بیست و دو، بہ عنوان یک دہم دو صد و بیست، نمایانہ می‌شود—چنان کہ در مورد عدد یازدہ نیز چنین است—مطالب بسیاری را می‌توان بیان کرد. آنچه در اینجا مایلم مشخص سازم، رابطہ میان یازدہ و بیست و دو است.

ما این افکار را در مقالہ بعدی ادامہ خواہیم داد.